



UNIVERSE

4

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MYSTERY
THRILLER

EVENT LEVIATHAN

BENDIS • MALEEV

THE
**IRRESISTIBLE
FORCES OF
LEVIATHAN
VERSUS...**



MM
2/4
19

دورناام

dornaame.info

کاری از: کیوان داوند

...THE
**UNSTOPPABLE
POWER OF**

SUPERMAN!



لویتان کیہ؟



دید اشعه ایکسی، زیر نورهای چشمک زن بهش نگاه کردی؟

آره!

به نظر توافقی کردیم که نمی دونیم لویتان کی... او!



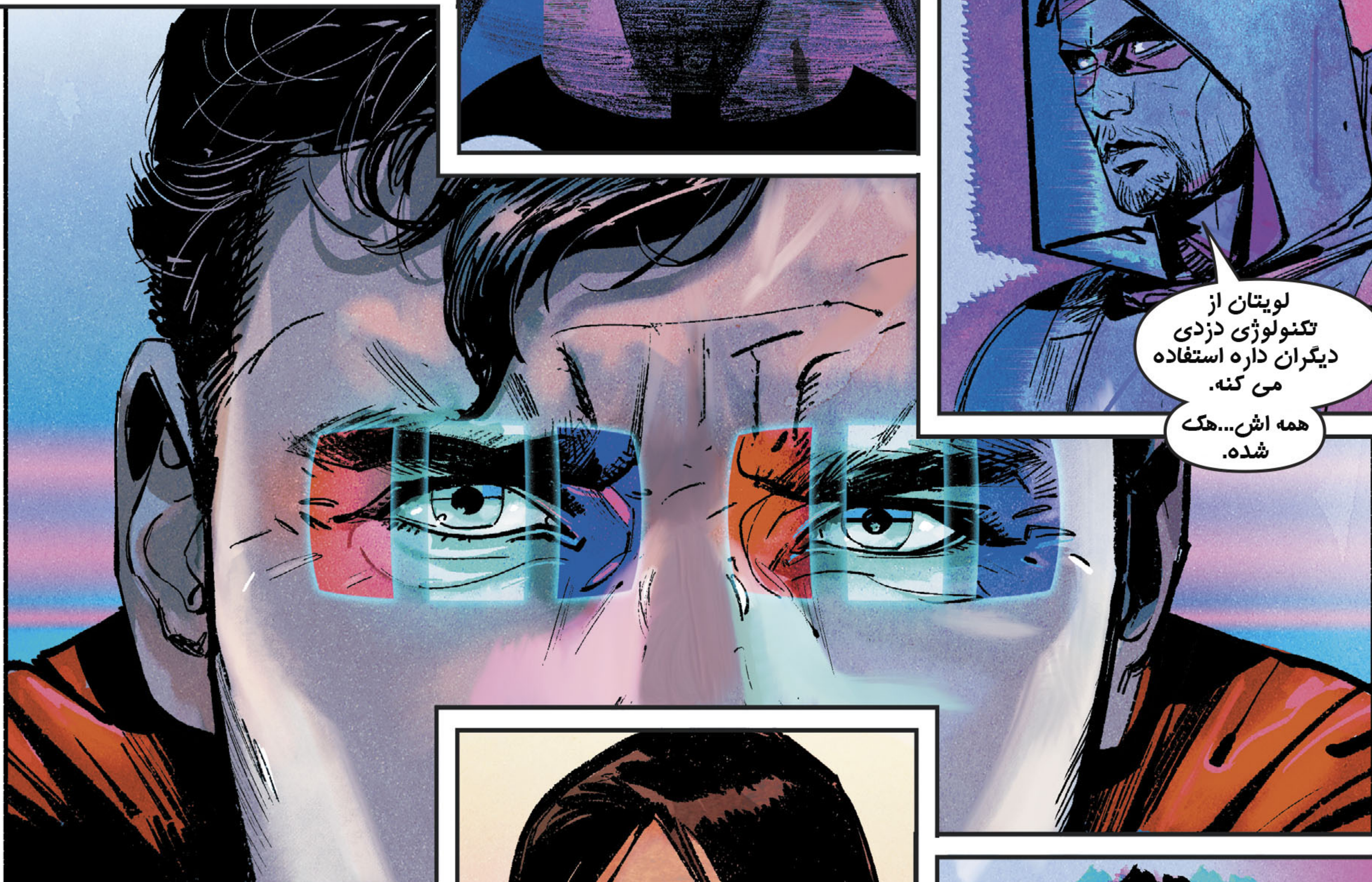
بجتون گفتم، لویتان در زره خودش از تکنولوژی ای استفاده می کنه که نمی شه طرف دیگشو دید...



...لویتان آمادگی مقابله با اونو داشت.

لویتان از تکنولوژی دزدی دیگران داره استفاده می کنه.

همه اش... هک شده.



آماندا والر لویتانه.



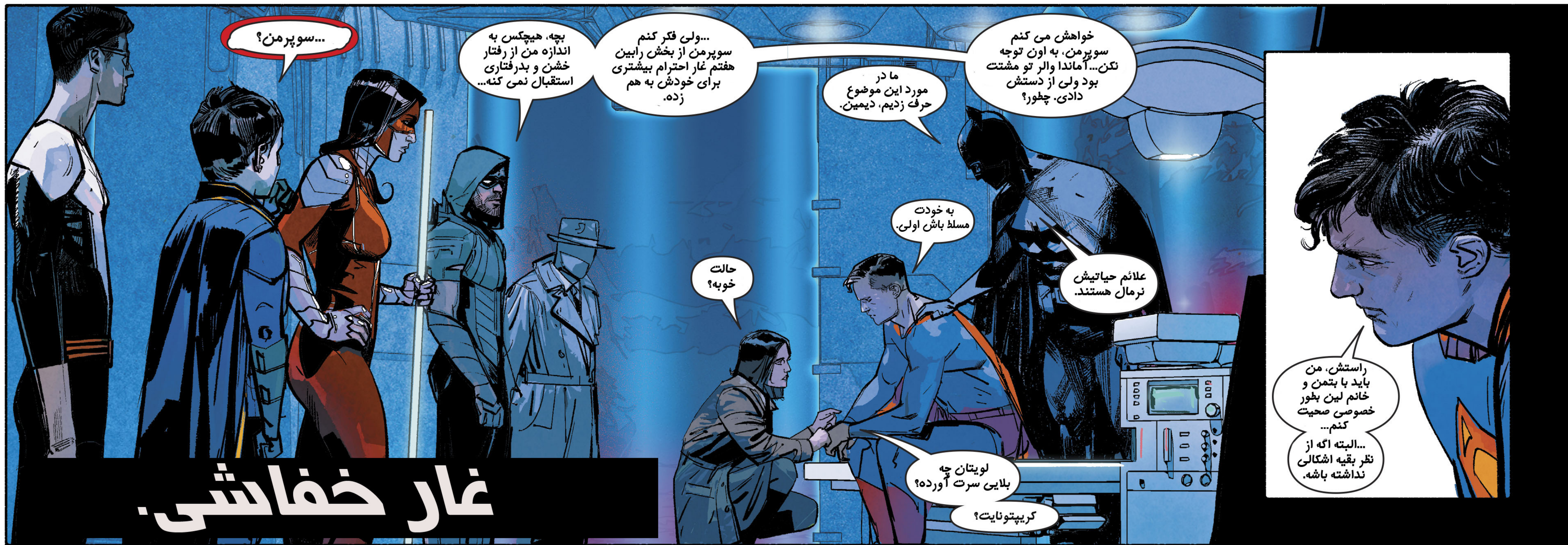
راستی؟

عالیه.

بریم یه چیزی بخوریم.



می خوام وقتی اینو می که بشنوم، لویتان چطور دختلانو آورد...



...سوپرمن؟

بچه، هیچکس به اندازه من از رفتاری خشن و بد رفتاری استقبال نمی کنه...

...ولی فکر کنم سوپرمن از بخش رابین هفتم غار احترام بیشتری برای خودش به هم زده.

مادر مورد این موضوع حرف زدیم، دیمین.

خواهش می کنم سوپرمن، به اون توجه نکن... اماندا والر تو مشتت بود ولی از دستش چطور؟

به خودت مسلط باش اولی.

علامت حیاتیاتش نرمال هستند.

حالت خوبه؟

لویتان چه بلایی سرت آورده؟

گریپتونایت؟



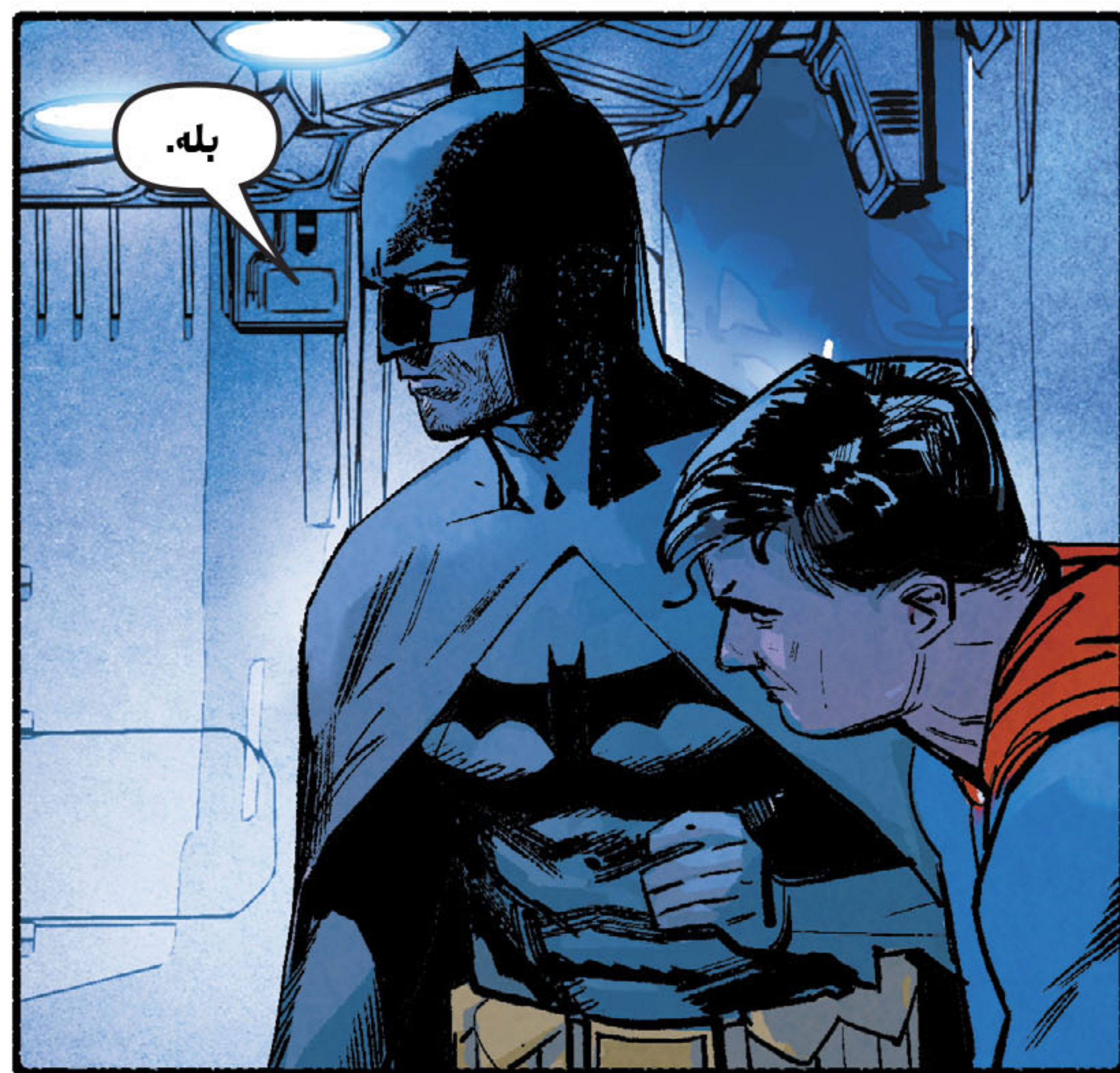
راستش، من باید با بتمن و خانم لین بطور خصوصی صحبت کنم... البته اگه از نظر بقیه اشکالی نداشته باشه.

غار خفاشی



همه می تونن برن به آشپزخونه تو طبقه بالا.

صبر کن، چون اون سوپرمنه ما باید بیرون منتظر بشیم؟



بله.



باشه.

از این زمان برای روز آمد کردن اطلاعاتمون استفاده می کنیم.

به اندازه کافی مرد هستم که اعتراف کنم، این قضیه احساسات این عضو گروه عدالت رو کمی چریحه دار کرد.



ولی شما درک می کنید.



آره.

آره.

تو مرد خوبی هستی گرین ارو.

حالت خوبه؟



لویتان... لویتان اونجا بود.

کوبا. یک ساعت قبل.



آماندا والر، این آقایون مزاحمت شدند؟

"صدای درهمی شنیده نمی شه چون همه صداها درهمند."

"ولی از وقتی که آماندا والر از قلعه تنهایی فرار کرد، بخشی از حواس شنوایی من معطوف اون بود."

"و پیداش کردم."

"در کوبا."

"ولی... لویتان اول به اون رسید."

"همین الان!"

از زمانی که این ماجرا شروع شد، من گوشمو تیز کرده بودم تا کلمات و عبارات مرتبط با لویتان رو بهتر بشنوم.

آرگس، کدموس، اسپایرل آماندا...

"وقتی همه در همه جای دنیا در مورد این کلمات حرف می زنند، تمرکز روی همه اون کلمات سخت می شه."

"نمی دونستم که آیا این یکی از نقشه های لویتانه یا نه..."



آماندا، پشت من پناه بگیر.

این کارو می کردم. ولی بعد از این همه چیز که دیدم... فکر نمی کنم فرقی به حال من کنه.

امتحانم کن.

آقایون، هر چی لویتان بهتون قول داده...

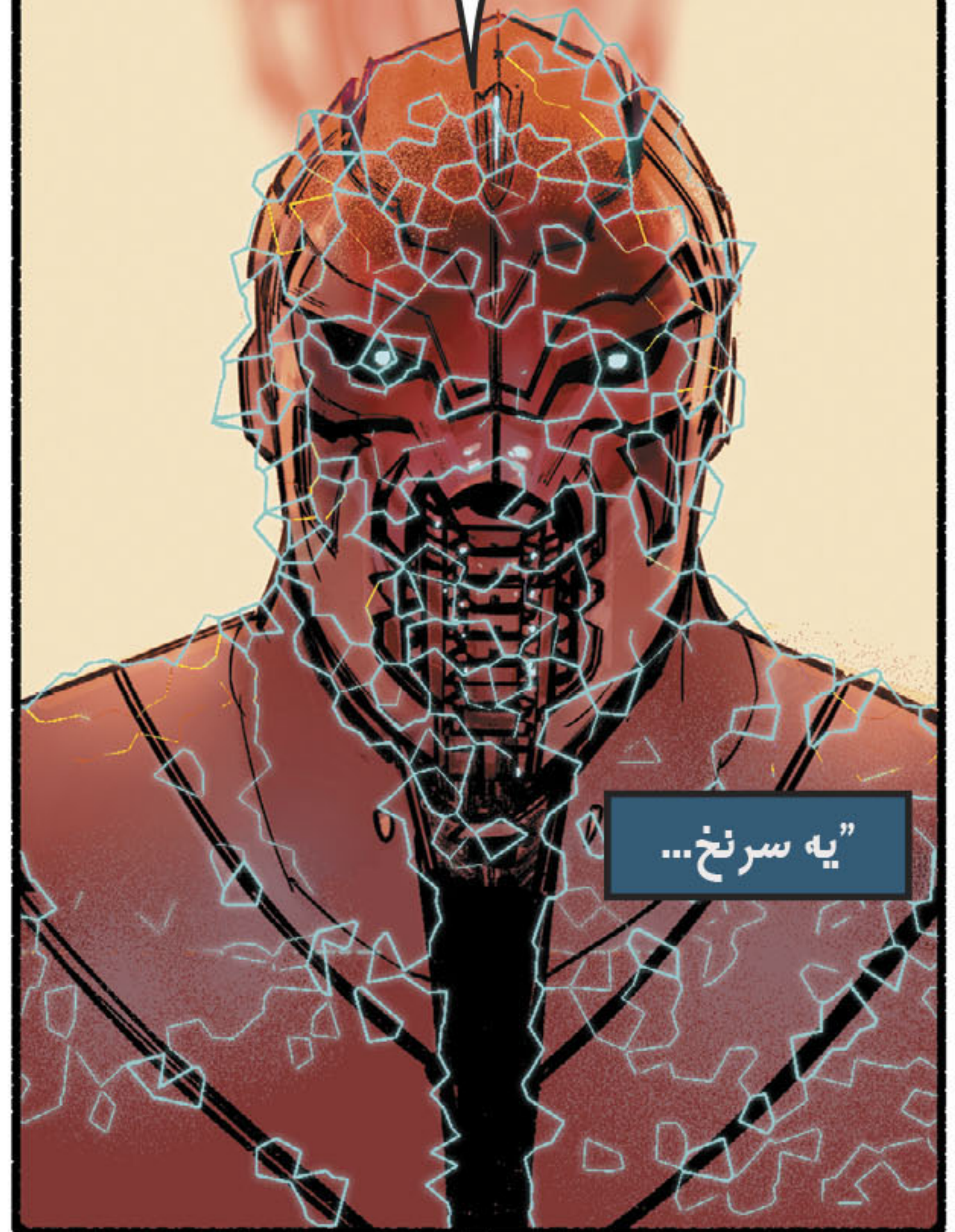
فکر کنید... ببینید آیا می تونن بهش عمل کنند؟

ما با تو نمی جنگیم سوپرمن.

می دونیم مسائل در حال حاضر خیلی بحرانی هستند. ولی بهت قول می دم...

... ما برات احترام قائلیم.

یادداشت من به دستت رسید؟



"یه سرنخ..."



"اونها در اولین فرصت ممکن آماندا والر رو ترور نکردند..."

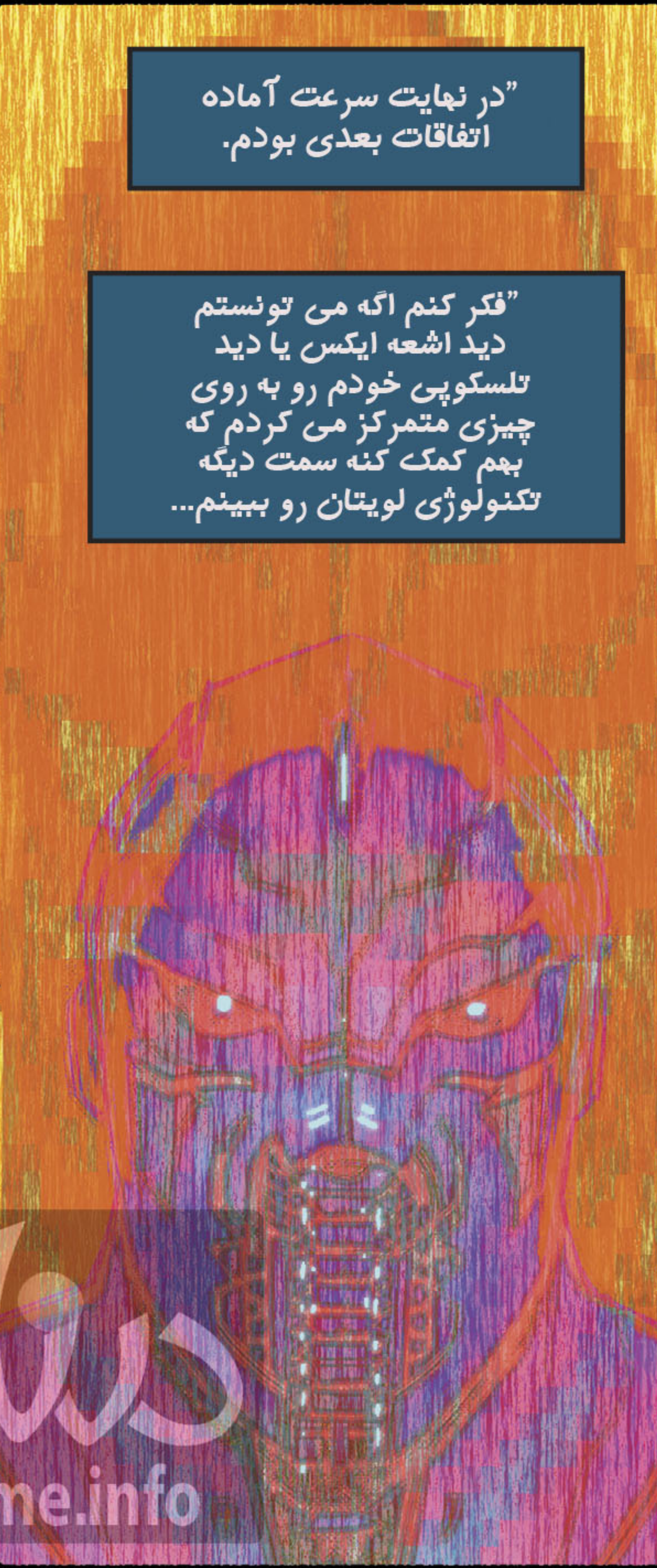
"مثل عملیات های دیگه لویتان اونو منفجر نکردند..."

"... اونها محاصره اش کردند."

"اونها اومده بودند تا دستگیرش کنند."

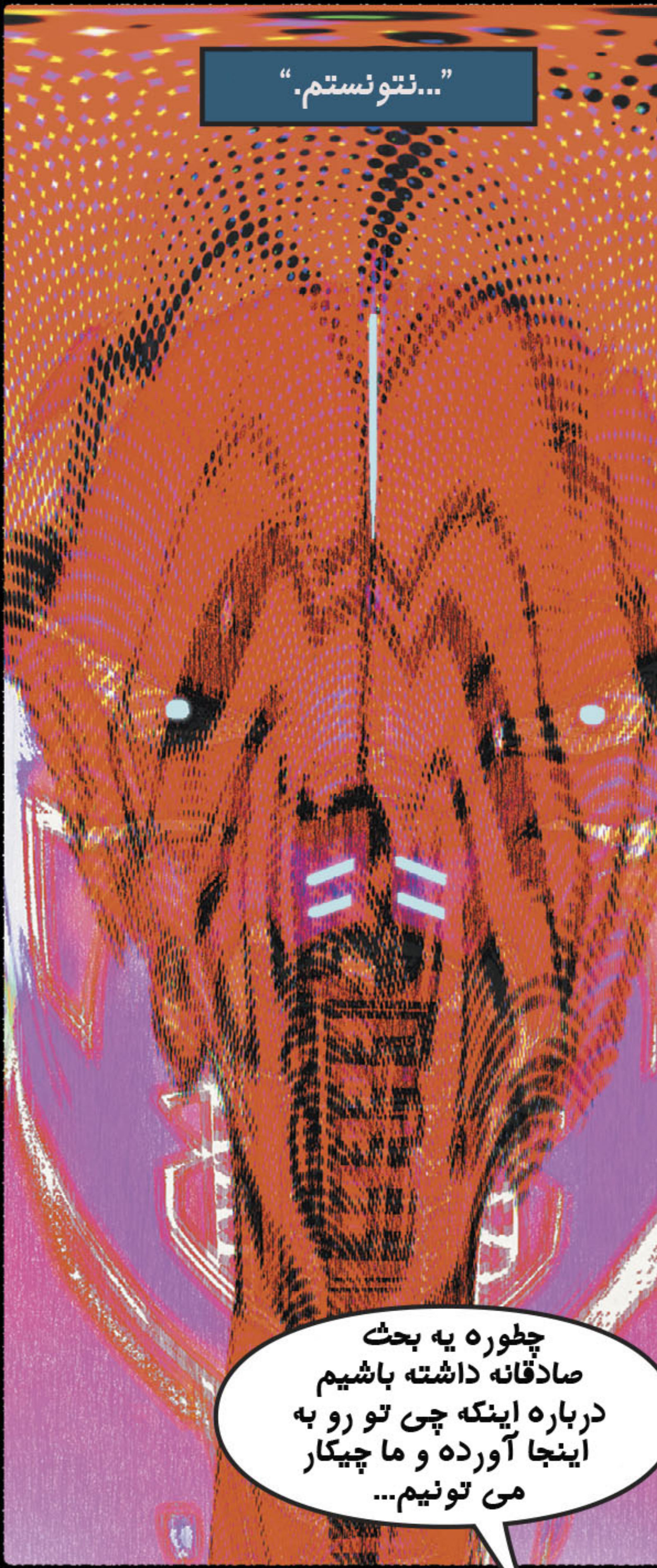


اگه به اندازه ای که می گی برام احترام قائلن، زرهت رو بذار کنار و تسلیم شو.



"در نهایت سرعت آماده اتفاقات بعدی بودم."

"فکر کنم اگه می تونستم دید اشعه ایکس یا دید تلسکوپی خودم رو به روی چیزی متمرکز می کردم که بهم کمک کنه سمت دیگه تکنولوژی لویتان رو ببینم..."



"... نتونستم."

چطوره به بحث صادقانه داشته باشیم درباره اینکه چی تو رو به اینجا آورده و ما چیکار می تونیم...

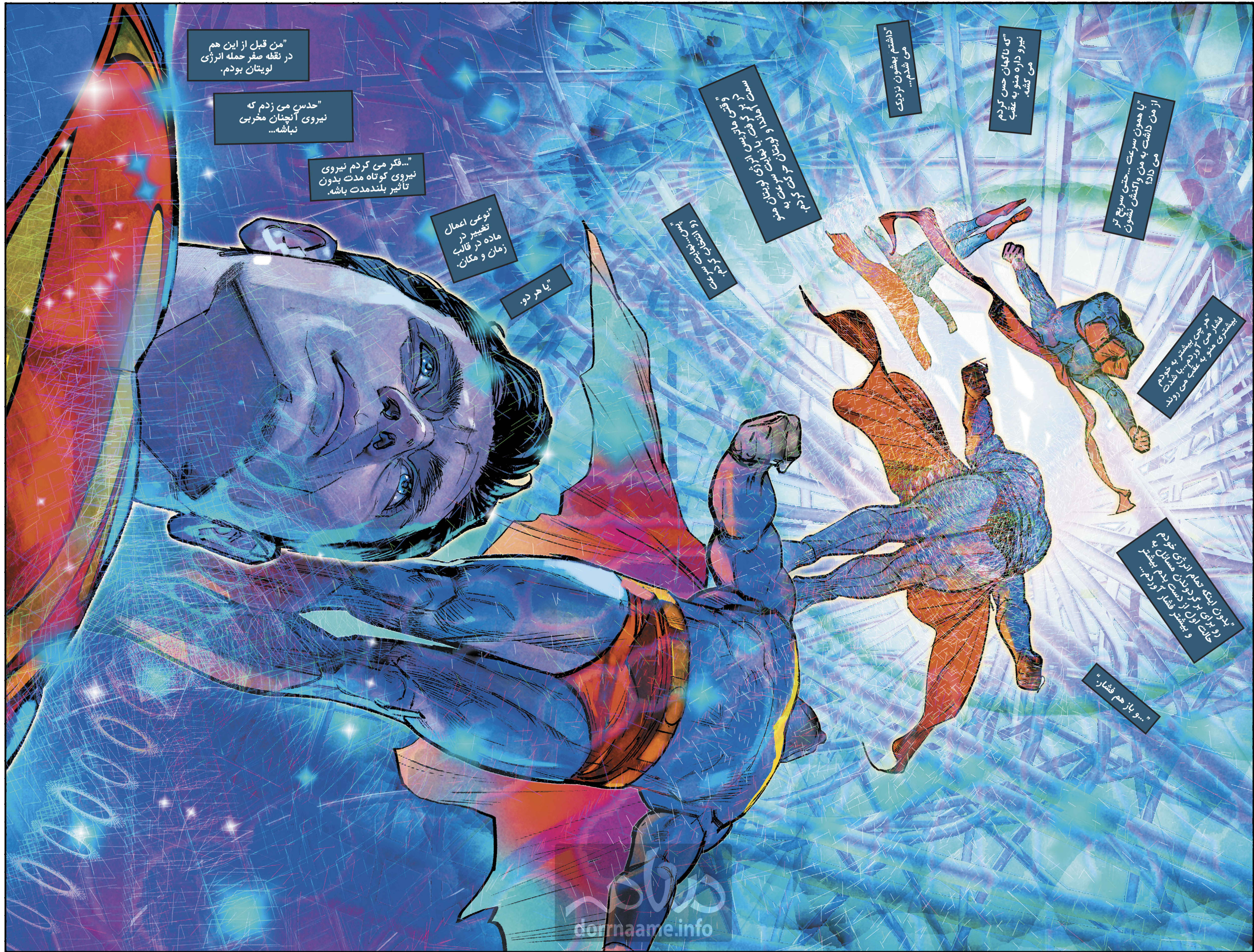


"یه بحث صادقانه؟ خیلی دوست داشتنی هستن."

جون افراد زیادی در خطر بود. آماده بودم.

شنیدم.

صدای ماشه رو.



”من قبل از این هم در نقطه صفر حمله انرژی لویتان بودم.

”حدس می زدم که نیروی آنچنان مخرب نباشه...“

”...فکر می کردم نیروی نیروی کوتاه مدت بدون تاثیر بلندمدت باشه.

”توعی اعمال ماده در قالب زمان و مکان.

”یا هر دو.“

”...ممنونم...“
”آه... که می گوی که من...“
”...من...“
”...من...“

”داشتم پیشزون نزدیک می شدم...“

”می گفتم داره منو به عقب می کشه.“

”با همون سرعت... حتی سریع تر از من داشت به من واکنش نشون می داد؟“

”هر چی بیشتر به خودم فشار می آوردم، با شدت بیشتری منو به عقب می روند.“

”بدون اینکه تمام انرژی خودم رو برای برگردوندن مسازل به حالت اول از دست بدم بیشتر و بیشتر فشار آوردم...“

”...و باز هم فشار.“



“تأثیری نداشت.”

واقعا...

...فکر می کردم
تأثیر داشته باشه.



باشه...

...نیاز...
به کمک بتمن
نیاز دارم.

و لوییس...

“خوشبختانه شما دو تا
کار روی پرونده رو شروع
کرده بودید.”



الان
آماندا والر
هم تو چنگ
اونجاست.

حال پدرم
چطوره؟

جاش امنه.
چک می کنم.

جاشو
تغییر
نمی دم.

منم این
کارو نمی کردم.

اگه بخواهی می تونم
بپارمش اینجا، ولی دکترها
به حق باور دارند که تو
این وضعیت نباید
حرکتش داد.

موافقم.

باشه.



ولی به نظرم به روند کاری شما
کار آگاهان لطمه زدم.

اونها از اینکه
فرستادمشون
بیرون حس خوبی
ندارند.

خوبه.

خوب؟



همه اونها در
حال حاضر مظنون
هستند.

همشون؟

آره، گوش
کن.

حتی پست؟

به ما
گوش بده...



من که گفتم این
یه نقشه رده بالای
خفافی #!%!

سو پرمنه.

باید بکشیش
پایین منهانتر.



متأسفم! متأسفم!
ارو.

کل زندگی
من... دنیای من
داره از بین می ره
و رو به پایانه... من
برای این کار ساخته
نشدم...

با این حس
آشنا هستم.

من
یه بچه
دارم!

و از دست
دادن اون جلوی
بتمن چطور می تونه
به حل این مسئله
کمک کنه؟

وقتی از
اردوی تابستانی
برگرده، می خوام این
موضوع تموم شده
باشه.



منهانتر، موضع
تو این قضایا
چییه؟

شنیدم
بازنشسته
شدی؟



بازنشسته
می تونه به معنی
هوش من باشه.

واقعاً
نمی دونم چرا
لویتان منو هدف
قرار داده!

با شما هستم
تا شاید بتونم ارتباط خودم
با این ماجرا رو پیدا کنم.



بانو، شما قبل از تولد
من بازنشسته شده بودی.

نمی دونم
تو کی هستی
یا چرا تو آشپزخونه من
داری درباره نحوه برخورد
با خودت اعتراض
می کنی.

این کار خودته؟



من قبلاً
نسبت به این
موضوع واکنش بد
نشون دادم. بخاطر
ماسک، ولی من
می شناسمش.
اون وکیل منه.

من اعتماد
دارم. خونسرد
باش.

این چیزیه
که به بتمن
گفتم...

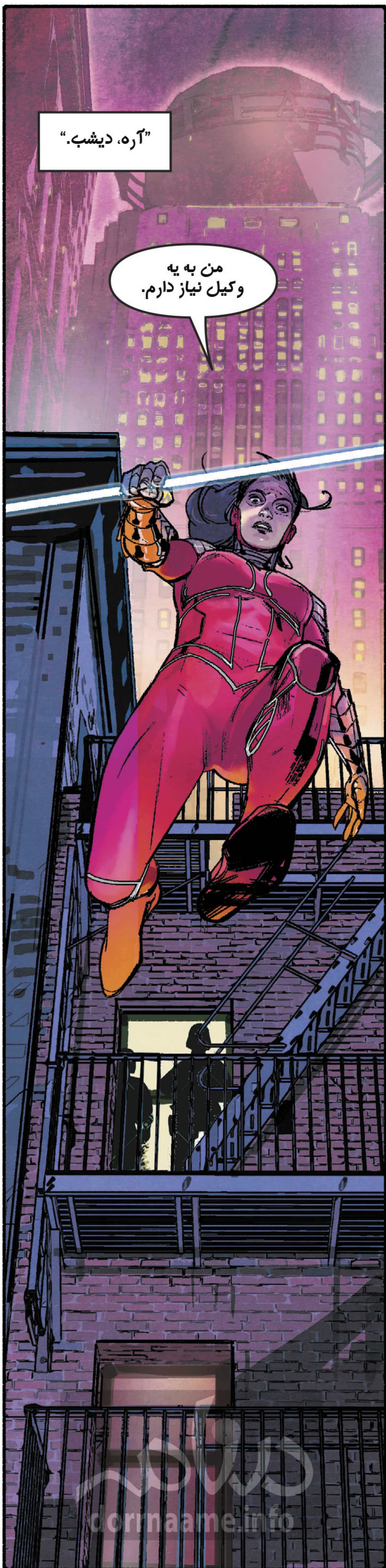


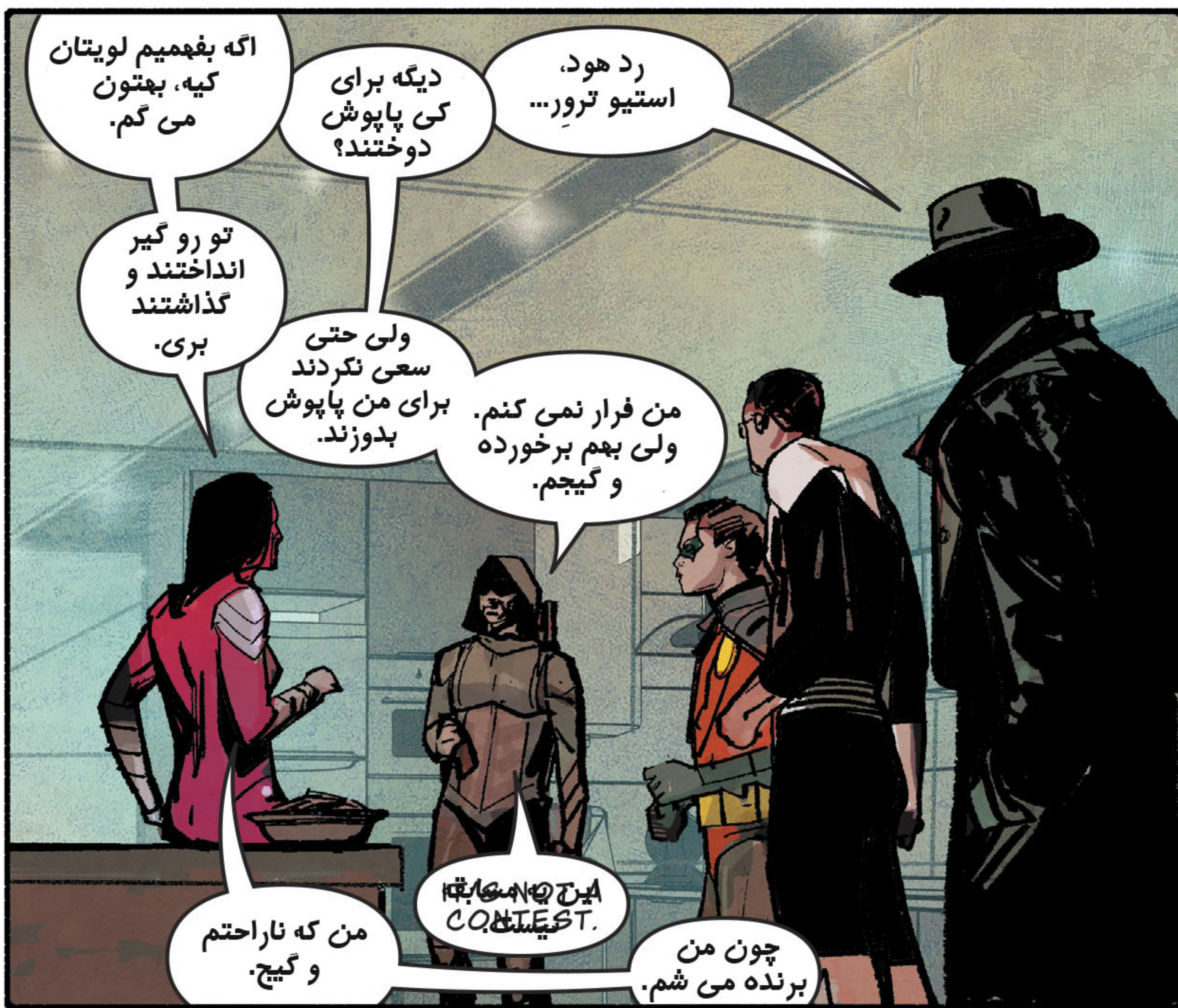
الان می دونم که لویتان
یکی رو به جای من تو
فاجعه دی ای او جا زده.

من!
ولی با هویت
شهروندیم!

بعد
نیروهای ویژه
متروپلیس نیمه
شب می ریزه تو
خونه من...

دیشب
بود؟





اگه بفهمیم لویتان کیه، بهتون می گم.

دیگه برای کی پاپوش دوختند؟

رد هود، استیو ترور...

تو رو گیر انداختند و گذاشتند بری.

ولی حتی سعی نکردند برای من پاپوش بدوزند.

من فرار نمی کنم. ولی بهم بر خورده و گیجم.

من که ناراحتم و گیج.

اینجا مسابقه است. CONTEST.

چون من برنده می شم.



لیست افرادی که باهات خورده حساب دارند رو مرور کن منجانبتر.

آره... کی قسم خورده که روزگارتو سیاه می کنه؟



اسم هیچ دشمن خاصی تو لیست دشمنان خاصت نیست؟

فکر می کنم مثل بقیه شما.

من یه لکس لوئر شخصی ندارم.

همون لکس لوئری رو می شناسم که همه می شناسند.



تو دشمن خاصی داری؟

لیستی بزرگتر از ساک تیرهام.



پسست! می خواهی از مال خودم بهت قرض بدم؟

تو لیست من زن گرانی، دکتر دوم، سرهنگ کول و مادام براون هستند.

آره، سائرس اسمایت.

سائرس اسمایت.

لویتان می خواد دنیا رو از نو بسازه و بندازه گردن من؟

این نتیجه ایه که الان دنبالشیم؟



آقای آکوا، آدمکش، آقای کالدرون.

دقیقاً دنبال همین نتیجه گیری هستیم و می دونی چیه...؟

این... موضوع اصلاً به تو مربوط نمی شه.

تو می دونی چیه؟



همه اش
یه حقه
است.
برات پاپوش
دوختند تا حواس همه
مارو پرت کنند.

درست مثل
جیسون تاد، درست مثل
استیو ترور... کل این نمایش
برای اینه که به جار اینکه یه
تیر بکاریم تو صورت لویتان اینجا
بشینیم و این حرف ها رو بزنییم



شاید هم
یه چیز دیگه.



بچه بچه
...بچه...
...متوجه نیستی؟
داری از گوشه چشمت بهش
چپ نگاه می کنی، اون هم همون
نظرو نسبت به سوپرمن داره. سوپرمن
به لوییس لین و لوییس مطمئن
نیست که یکی از ما واقعا آماندا
والر در لباس میدل نباشه!

و هنوز
هیچکس نمی دونه
چرا لویتان رفت دنبال
جاسوس ها!
ما داریم کلوچه می خوریم
و دنیا داره می سوزه!



من یه
پرستار داشتم
که عضو پیشین
نیروهای ویژه انگلیس
بود.

اون موقع
چند بار گفت که
به ملکه و کشور
خدمت کرده.



معنیش اینه که پرستار
رابین جاسوس انگلیس
بوده.

ارتباط
معناداریه.

یه بار یه
داستان برام تعریف
کرد: در مورد نتیجه بد
یه مأموریت بد، استاد
جاسوسیش، که فکر
می کنم رئیسش...



که الان که داریم حرف می زنییم، یکی
از رهبران مشهور جهان، بهش
گفته بود که در مورد خراب شدن
مأموریت نگران نباشه.

اون می گفت... یکی از
اسرار کثیف دنیای جاسوسی
اینه که لازم نیست کسی
برنده ماجرا باشه.

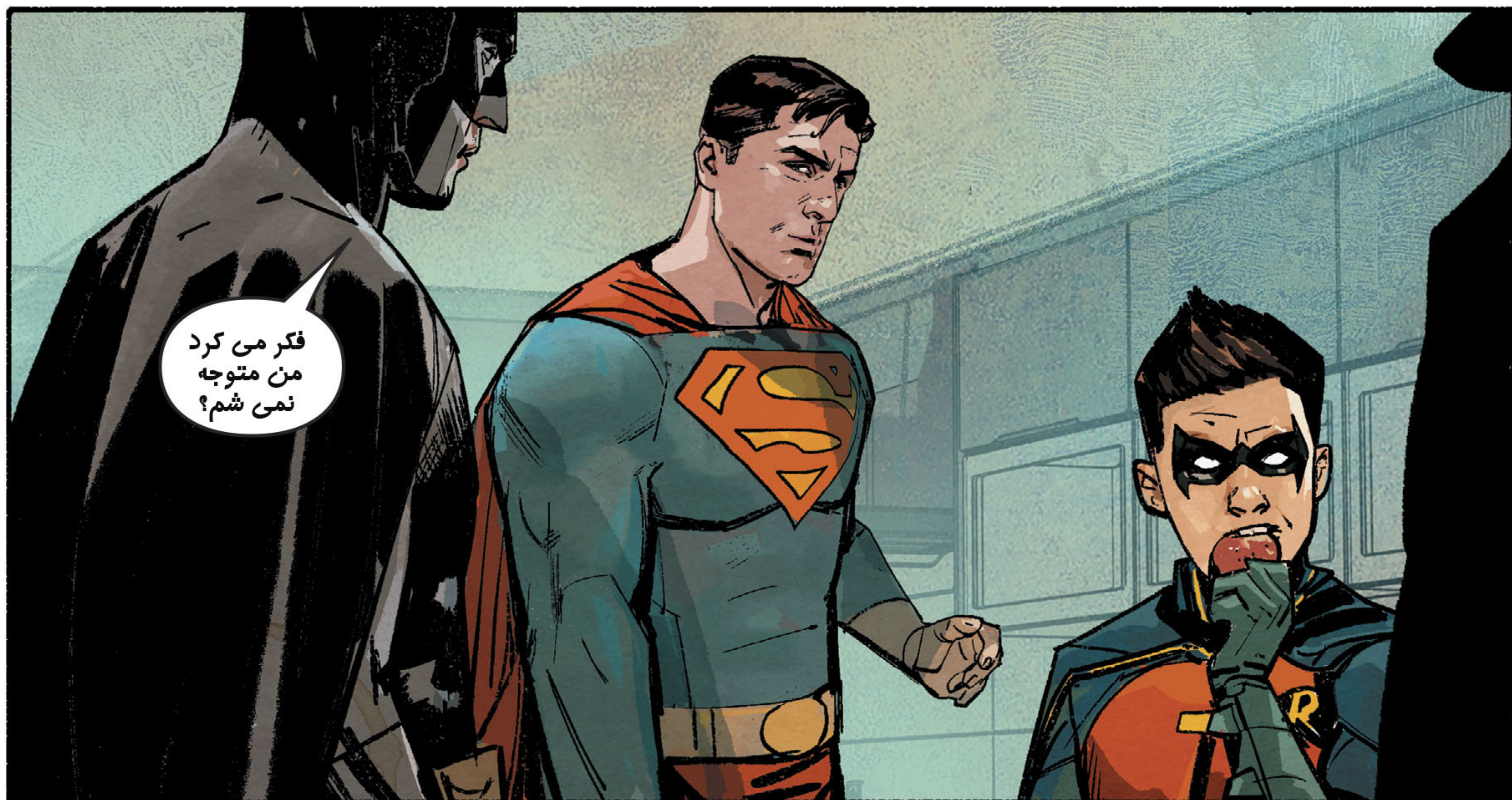
به نظرم اینطوره
چون اسرار و دروغ های
زیاده در کاره.

اون گفت
قضیه فقط سر کار
گذاشتن مردمه.

مشغولیت به
معنی موفقیته.



دقیقا...
...خیلی اعصاب خردکنه.
همینطوره.



فکر می کرد
من متوجه
نمی شم؟



اون یه
داستان قرضی
بوده.
اون می خواد
یه تنوری رو تست
کنه.



داستان قرضی؟

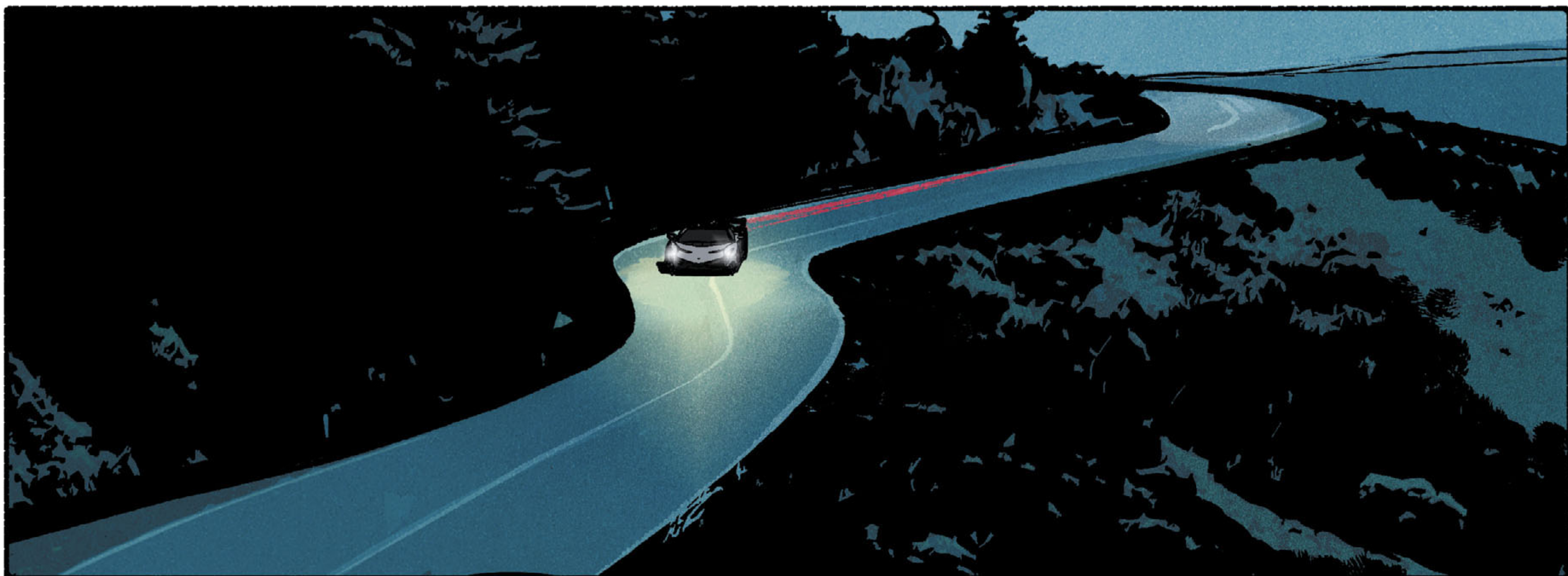


به این
معنی نیست
که براش مهم
نیست...



”اون لوئیسسه.“

”یه داستانی هست.“

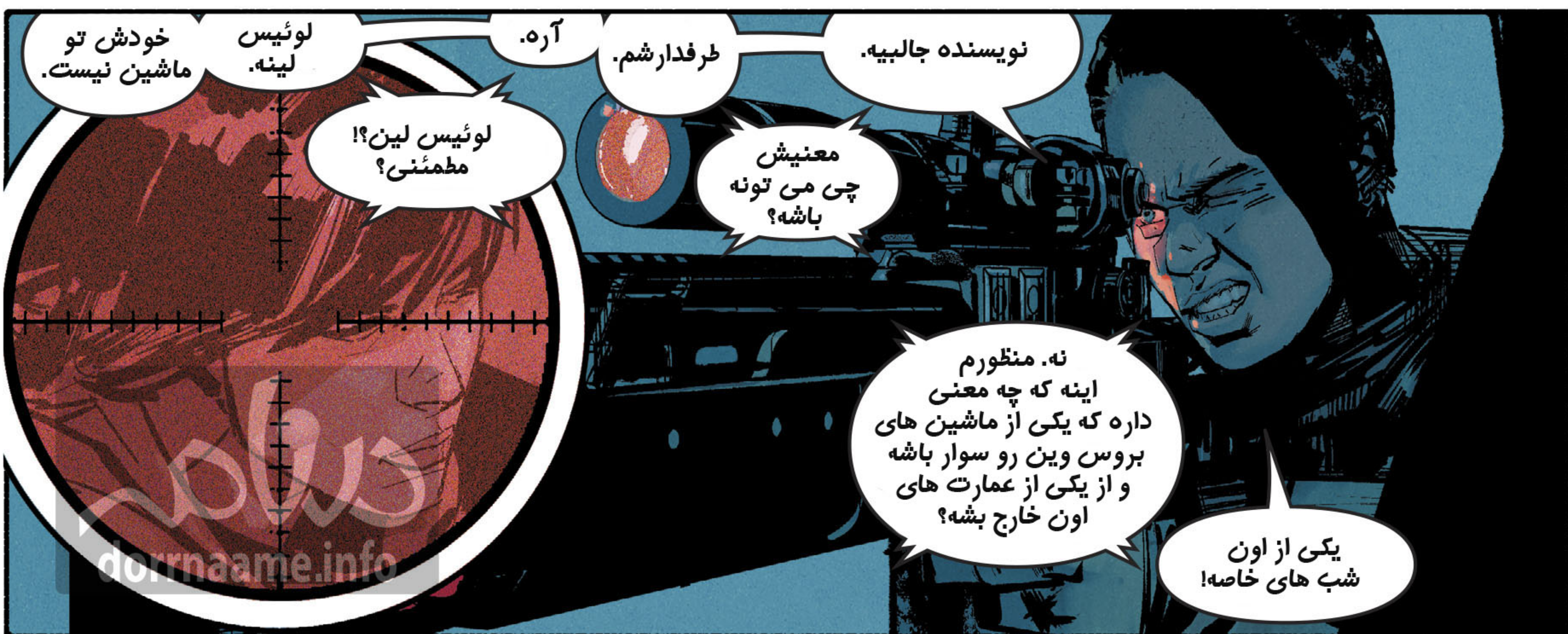


خفه کن صحبت می کنه.

فکر می کردم سکوت رادیویی باید باشه

ماشین بروس وین، یکی از اونجا عمارت وین رو ترک کرد.

راست می گی؟ می تونی... در تیررسه؟



خودش تو ماشین نیست.

لوئیس لینه.

آره.

طرفدارشم.

نویسنده جالبیه.

لوئیس لین؟! مطمئنی؟

معنیش چی می تونه باشه؟

نه. منظورم اینه که چه معنی داره که یکی از ماشین های بروس وین رو سوار باشه و از یکی از عمارت های اون خارج بشه؟

یکی از اون شب های خاصه!



لوئیس
لین رو نزن.

می دونم.

فقط گفتم
طرفدارشم.

لوئیس لین
خبرنگار تو ماشین
بروس وین چیکار
می کنه؟

می خواهی
ماشین رو
تعقیب کنم یا
مراقب عمارت
باشم؟

یعنی بروس
وین و لوئیس لین
با هم ارتباطی دارند؟

اگه جای
اونها بودم، بعید
نبود.



خوبه.
تو شبی که
لوپتان قیام کرده
اون تو عمارت وینه؟

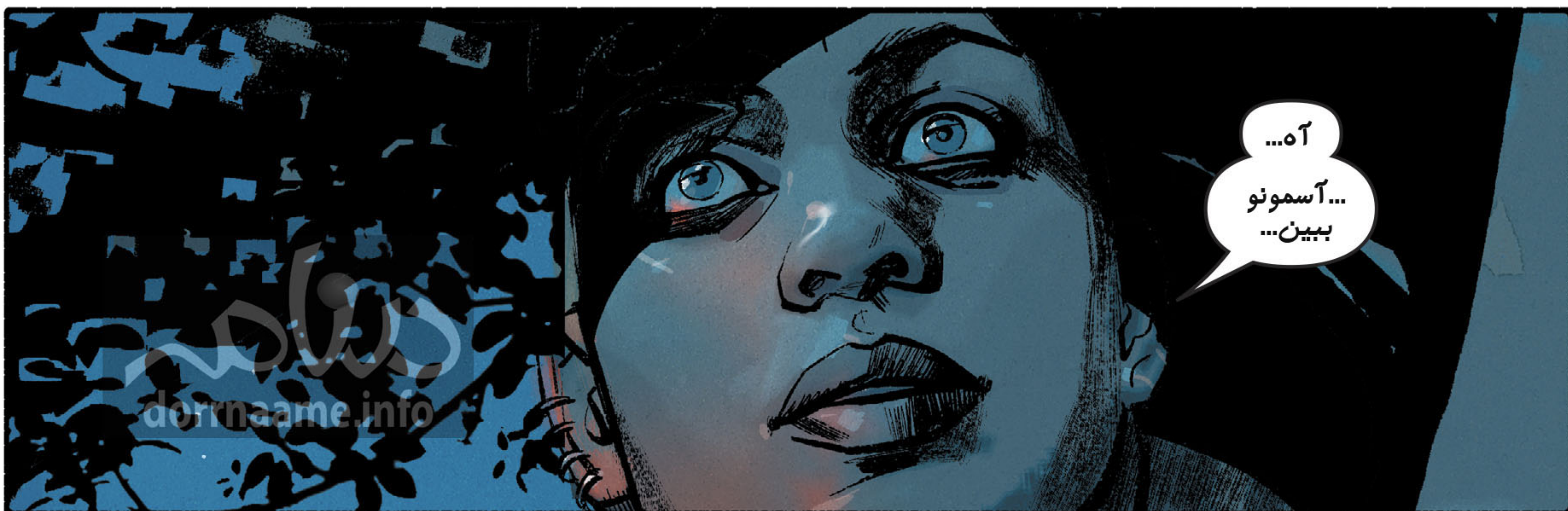


ماشین یا
خونه؟

خونه.

مواظب باش.
اونجا مامور
امنیتی داره.

مطمئنم.



آه...
...آسمونو
...ببین...

یک دقیقه پیش.





فکر کنم تو سیاتل هستییم.

ولی باید روی سیگنال من قفل کنی. اگه می تونی.

برو.

رفتم.

تعقیبت می کنیم.

منم ببر.



کسی حرف نزنه. اون حرف می زنه!

لویتان دنبال چی...

سرعت زیاده ها!!

پفتامی دونی که از عمده اش برمیاوم.



فرد اصلی هنوز به من اعتماد نداره. حق داره اعتماد نکنه.

من پیشنهاد اون برای پیوستن به لویتان رو پذیرفتم.

اینجا تعداد ما خیلی زیاده و تنها کسی که اینجا مامور مخفییه فکر کنم خودم باشم.

به هر حال اونها فردا صبح برنامه بزرگی دارند و...



آآآه. آسمونو ببین...

...یه اتفاق سوپرمنی داره می افته.

سوپرمن؟

همین الان سوپرمن از ساختمون اومد بیرون.



سوپرمن تو عمارت وینه و دنیا داره تحت تاثیر لویتان می سوزه؟

آره بود.

آآمم... بیبا عقب.

باشه. ریسک جایز نیست.



از بت گرن بپرس: چطور لویتان این کارها رو می کنه؟

و چه اتفاقی قراره بیفته؟



هر چیزی که تحت تملک دی ای او، آرگس کبری کالت، کدمس، اسپایرل و سازمان های دیگه به علاوه کارمندهای این سازمان ها... همه بخشی از لویتان شدند.

همه بخشی از لویتان هستند.

همه تکنولوژی اونها. همه اسرار بین کهکشانی دی ای او و آزمایش های کدمس.

همشونو با هم ترکیب کن می شه لویتان.

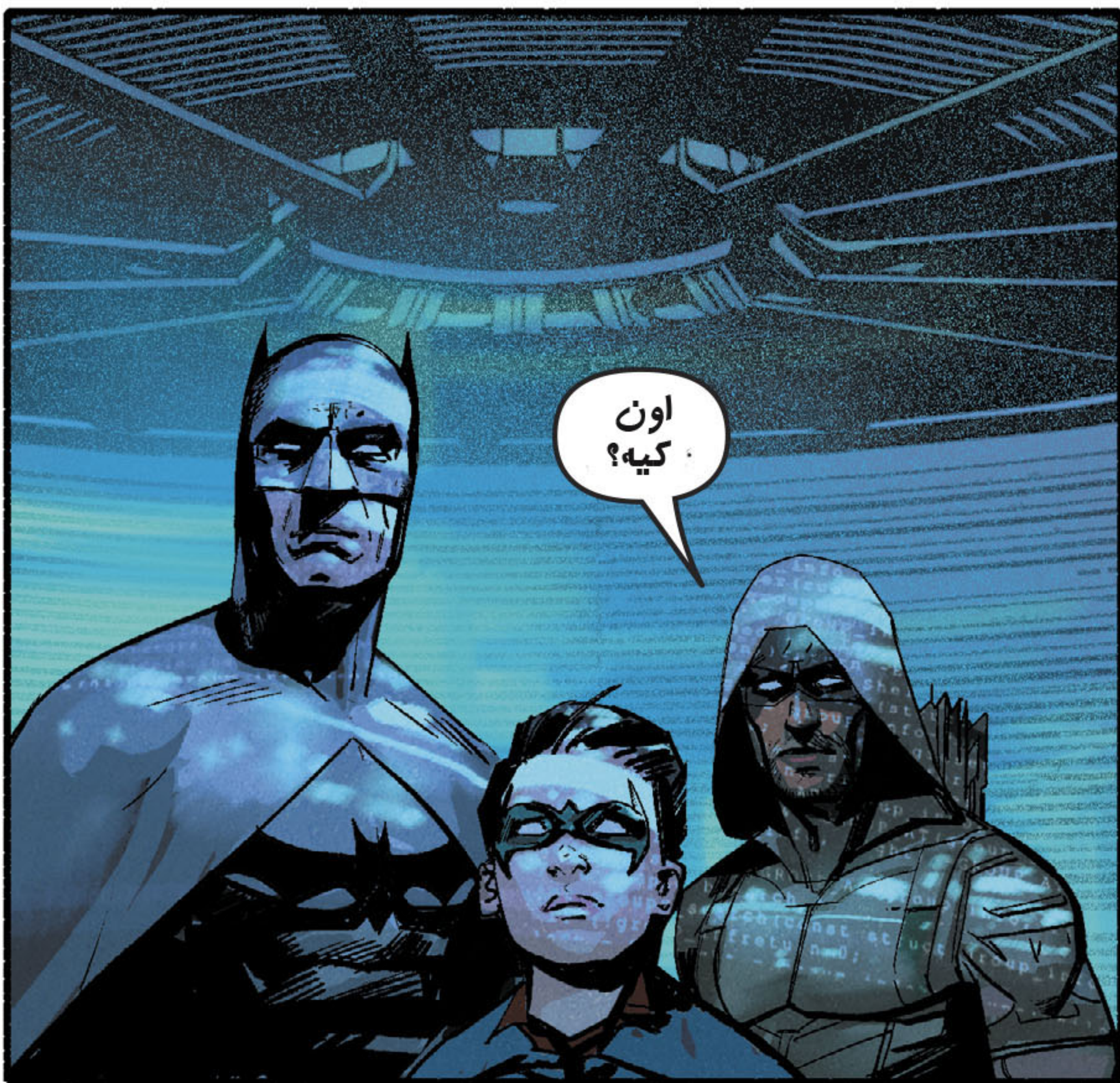


صبر کن ببینم! یعنی همه عوامل این سازمان ها الان با لویتان هستند؟

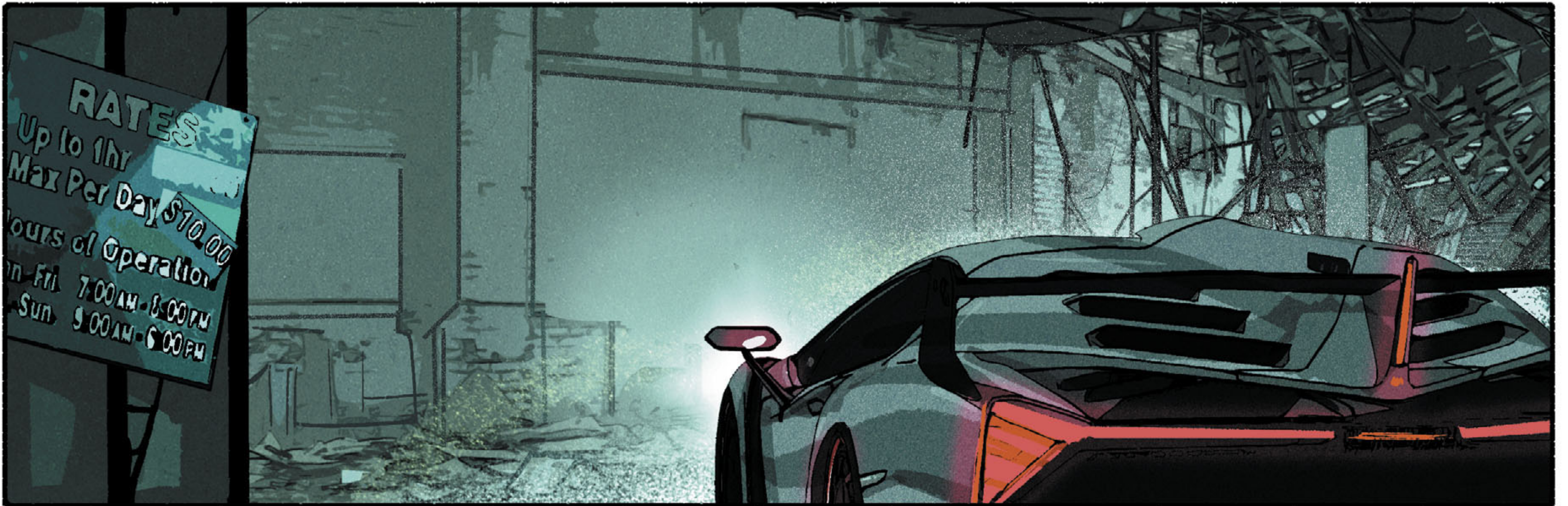
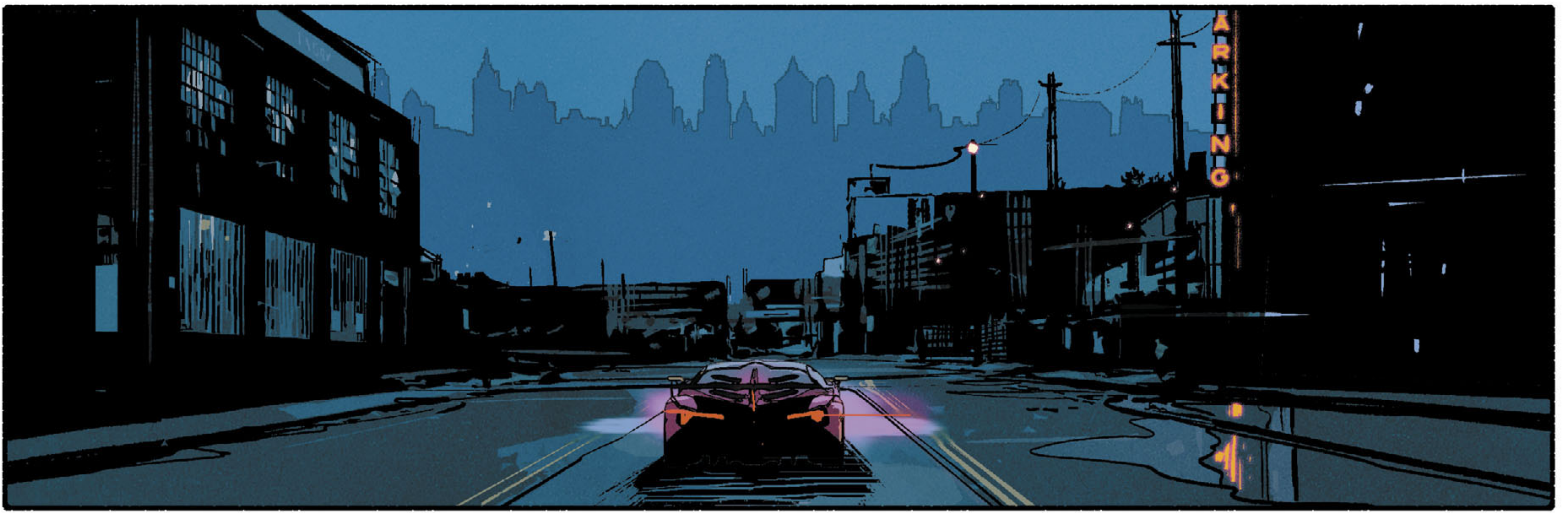
همه رو معتاد کرده یا هیپنوتیزم؟

می دونی لویتان دقیقا کیه؟

مطمئنم که یه مرده.









از این بخش
داستان خوشت نمیداد
خانم لین.

قسمت بعدی: کارآگاهان دیگر.

دورنام
dorrname.info
مرجع کمیک های فارسی